

تلاؤ انوار قرآنی در آثار محمود انوار

و نقدی کوتاه بر پاره ای ترجمه ها و تلمیحات قرآنی ایشان

فاطمه گلی^۱

اکبر گلی^۲

سید امیر محمود انوار استاد برجسته ادب فارسی، عربی و علوم اسلامی و دارای منزلت علمی حوزوی - دانشگاهی است. شهرت ایشان به خوش ذوقی و بداهه سرائی مرهون توانایی زائد الوصف در سرودن اشعار فارسی و عربی بسیاری در مدح اهل بیت و نیز شرح منظوم بر آیات قرآن و ... است. آثار ایشان پیوند ادبیات با حکمت و عرفان و نمونه‌های زیبایی از ترجمه کلام خدا به فارسی را به تصویر کشیده است، ادب شاعرانه وی آن چنان عاشقانه و حکیمانه درهم تنیده که تا معراج عرفانی و خداپرستی و حق دوستی بال می گشاید؛ اما راز نهفته این جاودانگی، قرآن مجید است که دل ایشان را جذب کرد و در آغوش خود پروراند. ساحت آثار ایشان که هرگز از مفاهیم قرآنی تهی نیست، نشان دهنده روح حقیقت جویی است که شدیداً تحت تاثیر کتاب آسمانی بوده و تقریباً در تمامی آثارش به نحوی به بیان میزان تاثیر قرآن کریم در ادبیات فارسی پرداخته است. در پژوهش حاضر آثار ایشان در چهار محور «اشعار، آثار منشور ادبی، دینی، عرفانی» بررسی شده و به ارائه نمودهای استمداد ایشان از قرآن کریم پرداخته شده است. ضمن این که شرح و ترجمه ایشان بر برخی از آیات قرآن مورد واکاوی ویژه قرار می گیرد.

کلید واژه ها: تاثیر قرآن کریم، محمود انوار، آثار ادبی، دینی، عرفانی، اشعار، ترجمه.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان.

۲- استادیار گروه الهیات دانشگاه پیام نور اصفهان.

۱. سخنان آغازین:

سید امیر محمود انوار فرزند دانشمند ارجمند، سیدعبدالله انوار، استاد برجسته ادب عربی و حکمت و عرفان اسلامی و استاد نمونه کشوری، پیشگام و متخصص در زمینه ادب فارسی، عربی و علوم اسلامی و صاحب دهها مقاله و سخنرانی در مجامع علمی داخلی و بین‌المللی بوده، قصاید و غزلیات فارسی و عربی زیادی در مدح اهل بیت علیهم السلام سروده است. این پژوهش با روش گرد آوری کتابخانه ای به تحلیل مظاهر قرآنی و نقد ترجمه ای آثار سید محمود انوار می پردازد.

۲. برگی از زندگی دکتر امیر محمود انوار

این پژوهشگر فرهیخته که گام هایی بلند و استوار جهت بررسی منابع مهم ادبی و عرفانی این سرزمین برداشته است، او با چاپ بیش از پنجاه مقاله علمی در زمینه ادب و عرفان در نشریات معتبر سمینارها و کنفرانس های داخلی و خارجی در راه خدمت به میهن عزیز و اعتلاء نام شامخ آن بسیار کوشید. ذیلا بخشی از زندگی نامه ایشان را با هم می خوانیم تا با شخصیت، توانمندی ها و دایر خدمات و زحمات این شاعر و استاد بلند آوازه آشنا تر شویم:

۲-۱. مولد دکتر انوار

سیدامیر محمود انوار، فرزند سید عبدالله انوار است که به سال ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد و در یکشنبه شب ۱۳ آذر ۱۳۹۱ پس از تحمل چند ماه بیماری دعوت حق را لبیک گفت.

در تحصیل علم دو شیوه حوزوی و دانشگاهی را تجربه کرده است به طوری که از کودکی و حدود ده سالگی نزد پدرش، تحصیل علم را آغاز کرد و به مدت ۳۵ سال در خدمت این استاد ارجمند ادبیات عربی، ادبیات فارسی و کتب علوم صرف، نحو و بلاغت به ویژه کتاب های سیوطی، مغنی و مطول و منطق و اصول فقه و حکمت را آموخت، ودستاوردهای درخشان وی نیز بیشتر مرهون با این طیب مولد و منبت و این حسن تربیت است.

۲-۲. تحصیلات استاد انوار در سطوری کوتاه

- کارشناسی زبان و ادبیات عربی و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران با مدال درجه یک فرهنگ (سال ۱۳۴۵).
- کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی با مدال درجه یک فرهنگ از دانشکده الهیات و معارف اسلامی (سال ۱۳۴۷).
- دکترای رشته علوم قرآنی با درجه ممتاز از دانشکده الهیات و معارف اسلامی (سال ۱۳۴۹).

وی ۱۵ ساله بود که در محضر استاد عبدالحمید بدیع الزمانی در مؤسسه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران حضور یافت. سپس ۱۳ سال پیوسته در منزل و دانشگاه نزد وی متون گوناگون لغوی، نظم و نثر و صرف و نحو عربی را فراگرفت. از ۲۱ سالگی در محضر درس حکمت و عرفان حکیم الهی قمشه ای حاضر شد و حدود ده سال متون فلسفه چون منظومه حاج ملاهادی سبزواری و متون عرفانی چون شرح نابلسی و بوریانی بر دیوان ابن فارض مصری و تفاسیر عرفانی چون تفسیر محیی الدین و غیره را به همراه علوم دیگر چون عروض و بیان فرا گرفت.

چند سالی نیز نزد دیگر علمای وارسته حوزه چون آیت الله فقیهی و علامه گیلانی، سیوطی و مطول را آموخت. غیر از دوره منطق «اساس الاقتباس خواجه طوسی» و حکمت مشاء آثار بوعلی و تحصیل بهمنیار به مطالعه و تدریس متون عرفانی و تفسیری چون «مصباح الهدایه» کاشانی و «کشف الاسرار» میبدی، «عرائس البیان» روزبهان بقلی و کتب خواجه عبدالله انصاری و ... پرداخت. در تمام مدت تحصیل دانشجوی ممتاز بود تا اینکه در ۲۵ سالگی از رساله دکترای خود با راهنمایی استاد بدیع الزمانی و با نمره بسیار عالی دفاع کرد.

۲-۳. فعالیت‌ها

تدریس و تألیف کتابهای مهم علمی و تهیه مقاله های پربار دغدغه مهم زندگی او بود. از سال ۱۳۴۶ (و در دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸) تا پایان عمر شریفش با دنیایی از علم و تجربه، به تدریس متون عرفانی فارسی، عربی، نظم و نثر، متون بلاغی، صرف و نحو و لغت پرداخت. کلاس های درس ادب و عرفان او پر از شور و انرژی سازنده علاوه بر جنبه های علمی فراوان شرایطی ویژه برای خودسازی و خودشناسی در اختیار دانشجویان قرار می داد. وی در همین حین مسؤولیت های اجرایی مهمی هم برعهده داشته و به سبب آنها خدمات علمی ارزنده ای را به جامعه علمی و دانشگاهی کشور عرضه کرده است:

- ریاست انتشارات و سردبیری مجله بین المللی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ به مدت سی سال.

- معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به مدت پنج سال.

- ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به مدت دو سال.

۳. آثار پر انوار، برگه زرین از کتاب عمر انوار

منزلت علمی حوزوی - دانشگاهی ایشان ستودنی بود. سید / امیر محمود / انوار ذوق شعری هم داشت و افزون بر تحقیق و تدریس شعر هم می گفت. دیوان اشعار انوار در برگیرنده قصاید و غزلیات پرشور عرفانی او است و

جانمایه اشعار او حکمت عرفانی و معنوی ایرانی است، و شهرت ایشان به خوش ذوقی و بداهه‌سرائی مرهون توانایی زائدالوصف در سرودن قصاید و اشعار فارسی و عربی بسیاری در مدح اهل بیت و ... است.

انوار به هر دو زبان فارسی و عربی (و نیز انگلیسی) به خوبی تسلط داشت؛ واز آن رو که اشتراک بسیاری از واژه‌ها در دو زبان فارسی و عربی، اشتراک دین و کتاب آسمانی و بسیاری دلیل دیگر سبب شده است که علم و فرهنگ این دو قوم چنان در هم تنیده باشد که برای فهم کامل یکی مطالعه دیگری اجتناب ناپذیر شود، ایشان جزء نوادری بشمار می‌روند که بخوبی بر این امر احاطه دارند و براین فهم قادرند.

از مهمترین تألیفات امیر محمود انوار کتاب ارزشمند «ایوان مداین از دیدگاه بحتری و خاقانی و شرح قصیده سینه بحتری» است. این کتاب یکی از کامل‌ترین کتب درباره مقایسه خاقانی و بحتری است؛ علیرغم این‌که به دلیل وجود تفسیرها، تلمیحات و برداشت‌هایی از کتاب آسمانی قرآن بدون دانستن زبان عربی و آشنایی با بزرگان ادب و فرهنگ آن قوم نمی‌توان زبان فارسی را بررسی کرد، روش کار مؤلف در این اثر بسیار علمی و جذاب است و هر دو زبان را به زیبایی تحلیل کرده است.

انوار با علم به این‌که «زبان نوعی رفتار انسانی است که دارای طرح است ... مجموعه روابط و الگوها یا طرح‌های حاکم بر مواد صوتی، زبان نامیده میشود» (باطنی، ۶ - ۷) و در طول زمان و در اثر اختلاط با دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها متحوّل شده، واژه‌ها معانی جدیدتری به خود می‌گیرند، در این اثر به نحو کامل به شرح لغات قصیده بحتری می‌پردازد، که خود یک دوره کامل صرف و نحو است و در برداشت مفهوم بسیار مؤثر است؛ نحو همان صورت زبان است و از نقش کلمه در ترکیب با دیگر کلمات یا چگونگی اتصال واژه‌ها در سازه‌ها بحث می‌کند (نک: لطفی‌پور ساعدی، ۴)؛ به نحو اهمیت می‌دهد چرا که ناآشنایی با نحو عربی سبب کژفهمی عبارات و جمله‌ها است.

او در آثار تطبیقی‌اش چون یک مترجم عمل می‌کند؛ مترجم حد واسط دو زبان است که می‌کوشد معادل عناصر متنی را بیابد و ترجمه هم عبارت‌است از «برگرداندن نوشته یا گفت‌های از زبانی به زبان دیگر و مطلوب‌ترین نوع این انتقال این‌است که هیچ بخشی از صورت و معنی از بین نرود» (صلح جو، ۳۷).

برای معادل‌یابی دقیق باید صورت و معنای هر عبارت را کاملاً بررسی کرد. از آنجا که «هر قطعه‌ای از زبان دارای صورت و معنی است که اولی نتیجه رابطه درونی و دومی نتیجه رابطه بیرونی آن است ... زبان‌شناسی جدید به این نتیجه رسیده است که در قدم اول باید ساختمان زبان را از داخل توصیف کرد و در مرحله دوم به توصیف روابط داخلی این شبکه داخلی با جهان بیرون پرداخت (باطنی، ۱۸ و ۱۹). بنابراین در مورد مقایسه دو قصیده فارسی و عربی نیز بررسی صورت و معنای واژه‌ها نقش بسزایی در ترجمه دارد، کاری که انوار آن را به خوبی انجام داده است.

همچنین مجموعه تلاش‌های زبان‌شناسانه بهترین راه برای ارائه ترجمه صحیح از متون عربی است؛ «تکمیل مطالعات زبان عربی بدون استفاده از مسائل زبانی که قدما به خوبی آن را توصیف و تحلیل کرده و نظریات مفیدی پیرامون آن ارائه کرده‌اند، امکان‌پذیر نیست» (زکریا، ۱۵).

برای نمونه مرحوم انوار در شرح قصیده سینه بحتری علاوه بر مشخص کردن وزن و تقطیع هر بیت و توضیح راجع به بحر خفیف، نمایان کردن قافیه و حروف آن، ترجمه منثور و منظوم ابیات را هم برای درک بهتر مخاطب آورده است.

دیگر آنکه ابیاتی از شاعران عرب و ایرانی برای موضوعات مورد بحث آورده که بسیار مفید است و بر جنبه های علمی کتاب می افزاید. سیدامیر محمود انوار در نهایت تسلط به زبان های فارسی و عربی پس از تحلیل و مقایسه هر دو قصیده در پایان به این نتیجه منطقی و علمی می رسد که: «بحتری صادق الوصف تر از خاقانی است و در اشعار خود کمتر از خاقانی به غلو شاعرانه می پردازد و شعرش روان تر است اما شعر خاقانی حکیمانانه تر است و می توان گفت بحتری شاعرانه شعر سروده و خاقانی حکیمانانه». انوار در کتاب دیگر خود «سعدی و متنبی و داوری میان دو شاعر پارسی و تازی» دامنه تحقیقات و اطلاعات خود را در مقایسه این دو شاعر مهم نشان می دهد. دو ملاک مهم او برای بررسی این دو شاعر این است: «هر شاعر را باید از دو جنبه بررسی کرد نخست از این رو که از معلومات و افکار و ذوق گذشتگان استفاده کرده است و او از آنهاست، دیگر از نظر خود او و شخصیت ذاتی اش در ادب که در اینجا دیگر خود و خویشتن اوست» (انوار، ۱۳۸۰).

شباهت های بی شمار موجود در آرا و اندیشه های شاعران و نویسندگان ایرانی و عرب هم نشان دهنده تأثیرپذیری این دو فرهنگ از یکدیگر است و هم این که برای یک پژوهش علمی مراجعه به آثار به جا مانده در هر دو زبان، حتمی و قطعی است.

انوار بر آن شد که شرحی ادبی و عرفانی به فارسی، عربی و انگلیسی بر خلاصه مثنوی و معنوی بنگارد که بیان گر مهارت وی در زبان انگلیسی نیز هست همانطور که بر جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن نیز شرحی به فارسی، عربی و انگلیسی نگاشته است. از این رو *انوار* نه بر دو زبان که بر سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی تسلط داشت و هر یک را به جاوه ای زیبا در لباس ترجمه می آراست.

آثار وی به این امر اذعان دارد که مفهوم برداشت شده از ابیات هر شاعر در هر زبان دقیقاً منوط به "برداشت روانی افراد از آن واژه و موقعیت خاصش در جمله است، و نیز به سنجش دلالت الفاظ و معانی روانی آن بر افراد در حوزه های رفتاری متفاوت برمی گردد" (نک: عمر، ۴۴). و شاید به همین دلیل است که در هر شرحی اثری نو پدید می شود چرا که عبد القاهر نیز شرط زیبایی را این می داند که الفاظ از آن چیزی باشد که مردم در استعمال شان با آن آشنا بوده و در زمان شان متداول باشد (نک: حمدی، ۲۴۳).

۴. پیوند آثار انوار با انوار قرآن

ایشان در آثار خود ادبیات را با حکمت و عرفان پیوند زده و نمونه‌های زیبایی از ترجمه کلام خدا به فارسی را به تصویر کشیده است، ادب شاعرانه وی آن‌چنان عاشقانه و حکیمانه در هم تنیده که تا معراج عرفانی و خداپرستی و حق دوستی بال می‌گشاید؛ اما راز نهفته این جاودانگی، قرآن مجید بود که دل ایشان را جذب کرد و در آغوش خود پروراند.

از معجزات این کتاب، آن است که با کمی حجم، در برگیرنده معانی فراوانی است که خردها و عقلهای بشری هر چقدر تلاش کنند از شمارش آن معانی، قاصر و ناتوانند و عاجزند از این که قطره ای از این دریای عظیم را به تصویر کشند ولی:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

انوار می‌داند که تنها دیدگان روشن و دارای بصیرت می‌توانند به محاسن انوار آن کتاب آسمانی دست یابند و فقط جانهای پاک و نالوده سزاوار و شایسته‌اند که از شفا بخشی قرآن برخوردار شوند که: «لا یمسه إلا المطهرون» (الواقعه، ۷۸). «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین إلا خساراً» (الاسراء، ۸۲)

ساحت آثار ایشان که هرگز از مفاهیم قرآنی تهی نبوده است، نشان دهنده روح حقیقت جویی بود که شدیداً تحت تاثیر و کتاب آسمانی بوده و در تمامی آثارشان به نحوی به بیان میزان تاثیر قرآن کریم در ادبیات فارسی پرداخته است.

از عوامل این نمود می‌توان به تسلط ایشان به دو زبان فارسی و عربی اشاره نمود چرا که برای فهم عمیق و ترجمه دقیق قرآن تسلط بر قرآن و روایات ذیل آیات، آگاهی کافی از دانش‌ها و علوم قرآنی به ویژه علم محکم و متشابه، شأن نزول و ... لغت معتبر قریب به عصر قرآن، و ادبیات عربی و مطالعات زبان‌شناسی لازم است.

ظاهراً در زمینه ترجمه قرآن کریم به جز شرح منثور و منظوم بر جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن که مستقلاً بر محور شرح و ترجمه قرآن کریم دور می‌زند، اثر دیگری بطور جداگانه به این کتاب آسمانی نپرداخته است اما در حقیقت این چشمه جوشان عشق به کتاب الهی و معارف ناب آسمانی همیشه در وی جاری بوده و لحظه ای از جوشش باز نایستاده است، و از آن رو است که اصولاً مطلع آثارش با شذرات آیات شریفه ای چون «وَهُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ» (سبأ، ۲۶)^۱ و ... مزین است.

^۱ و اوست داور (و جداکننده) آگاه!»

گرچه پرداختن به دیگر ضرورت‌ها مانع از آفرینش آثار بیشتری در این زمینه بوده است؛ باید اذعان نمود تمامی آثار وی رنگ خدایی دارد و آثار او بستری برای تجلی آیات قرآنی است، و رغبتی که به شرح و تفسیر این کتاب شریف داشته اند سبب گردیده که در ضمن ترجمه آیات شریفه پا را به دامنه تفسیر و توضیح بیرون نهند.

ایشان استاد عربی و فارسی و در نتیجه ترجمه روان هستند و مهم‌ترین گام ترجمه نیز، فهم معانی دقیق واژه‌های قرآن است؛ چه واژه‌ها، گذرگاه کاوش و پژوهش در ترجمه قرآن بوده، رسالت بزرگ انتقال مفاهیم را از عرش به فرش دارند و از مهم‌ترین کلیدهای تسلط بر قرآن به شمار می‌آیند. نوع واژگان و چینش خاص آنهاست که مفهوم را به بهترین شکل به شنونده منتقل می‌کند. فارابی در باره دریافت مضامین قرآن می‌گوید: «لا سبیلَ إلی عِلْمِهِ وَإِدْرَاکِ مَعَانِيهِ إِلَّا بِالتَّبَحُّرِ فِي عِلْمِ اللُّغَةِ» (لطفی پور ساعدی، ۸۰)؛ جز با مهارت در علم لغت، راهی برای دانش قرآن و فهم معانی آن نیست.

باید دانست بزرگ‌ترین هنر مترجم قرآن، یافتن معادلی دقیق است که معنی را به درستی منتقل کند. این مهم مستلزم احاطه کافی بر زبان مقصد است؛ غلامحسین یوسفی یکی از اصول اساسی ترجمه را فارسی‌دانی و مهارت مترجم در زبان فارسی می‌داند: «انس با موازین زبان فارسی و آثار فصیح موجود و تأمل در شیوه تعبیر آنها به نویسندگان و مترجم قدرت آن را می‌دهد که برای ادای مفاهیم خود بتواند کلمات لازم را بجوید و بیابد و یا آنها را ببیند و در بیان مقصود در نماند» (حسینی، ۳۱).

۴-۱. آثار ادبی

دقت و درایت در مقایسه و تطبیق برخی آثار در دو ادب عربی و فارسی، علاوه بر تجربه و تسلط بر هر دو زبان و به ویژه قرآن، نیاز به مطالعه آثار هر دو زبان، بررسی علمی و دقیق آنها و خواندن آثار پژوهشگران دیگر، به علاقه و تیزبینی ویژه ای دارد که همگی در انوار جمع است.

گرچه با توجه به ماهیت زمینه‌های متفاوت آثار انوار به نظر می‌رسد که آثار ادبی وی نسبت به آثار عرفانی یا اشعارش، از انوار قرآنی بهره کمتری داشته اند، لیکن واقعیت امر اثبات می‌کند که این آثار نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم دارای حظ وافری از معارف ناب قرآن کریم بوده و از این تجلیات بی نصیب نمانده است؛ گاه خود در شرح و بسط کلام ادبا به آیات نورانی متوسل می‌شود و گاه به توضیح تضمین و اقتباس ادیبان از آیات قرآن می‌پردازد:

۴-۱-۱. ایوان مدائن از دیدگاه دو شاعر نامی تازی و پارسی، بحتری و خاقانی^۱

^۱ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نورمگز

همان‌طور که بیان شد این اثر از نوادر آثار وی به‌شمار می‌رود و از عوامل اشتها ایشان به تخصص در ادبیات تطبیقی عربی و فارسی قلمداد می‌گردد؛ در جای جای این اثر بدیع و منحصر بفرد به مناسبت و تناسب، آیات شریفه را به مدد طلبیده و کلام خویش را به آن آراسته است:

- در بیان شرح حال و وفات بحتری (ص ۷۹) گوید: تا سرانجام در سال ۲۸۴ بعد از ۷۸ سال زندگی خاک منبج را در آغوش کشید که: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه، ۵۵)^۱

- در تحلیل بعد روانکاوی بحتری در سرودن قصیده اش، به جز میل بی حد و حصر بحتری به تکسب و ثروت اندوزی، به قول کلی خداوند در مورد شعرا استناد کرده و می‌گوید: «با در نظر گرفتن مطالب فوق الذکر و قول پروردگار توانا: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَأَهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهيمُونَ» (الشعراء، ۲۲۴، ۲۲۵).^۲ و میل تکسب بی حد و حصری که در بحتری بوده این احتمال قوی می‌رود...» (ص ۸۷).

* در شرح قصیده خاقانی در بیت

«پرویز کنون گم شد از گمشده کمتر گو
زرین تره کو برخوان رو «کم ترکوا» برخوان»
آیه قرآن را با آن تبخّری که در آیات و سوره دارد، با ذکر شماره آیه و سوره ذکر کرده و با بیان ترجمه ای شرح گونه از این آیات می‌گوید: "«کم ترکوا» اشاره است به آیه ۲۴ سوره الدخان که سوره ۴۴ قرآن مجید است «كَمْ تَرَكَوْا مِنْ جَبَّاتٍ وَعَيْونٍ» (الدخان، ۲۵) بسیار ترک کردند و واگذاشتند این قبطیان پس از غرق شدن از بوستان‌های پر اشجار و زروع و مقام کریم (۲۶) و کشتزارها و منزل‌های نیکو و نعمة کأنوا فيها فاكهين (۲۷) و نیز گذاشتند تنعم و عیش را که در آن متنعم بودند (ص ۱۰۱)

واضح است که در بیان این تضمین و تلمیح‌ها گاهی به ترجمه آیات براساس سلیقه شرح و تفسیری خود می‌پردازند تا از ابهام ترجمه بکاهند. از آنجا که یکی از رسالت‌های نقد ترجمه، بررسی علل واژه‌گزینی مترجم است (حدادی، ۱۰۵)، اگر بخواهیم به ترجمه ای که ایشان از این آیات ارائه داده اند بپردازیم باید گفت که ترجمه ایشان با اختلاط مضامین قرآنی با گوشت و خون ایشان صورت پذیرفته است و البته باید توجه داشت که گاه در ترجمه قرآن کریم به عنوان کلام وحی و معجزه الهی، برخی واژه‌ها تفسیر می‌شوند (نبراق، ۷۳) همان گونه که در این ترجمه‌ها رخ داده است. بدیهی است که این شیوه ترجمه مستنتج از تفسیر است، نکته‌ای که در ترجمه باید به آن توجه داشت این است که باید حتی الامکان معادل واژه را در متن آورد و از آوردن وجوه تفسیری پرهیز کرد و در صورت ضرورت در پانویس به توضیح پرداخت ... مترجم

^۱ ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم؛ و در آن بازمی‌گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم!

^۲ آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند

باید تابع ظاهر الفاظ آیه باشد نه پیرو وجوه احتمالی تفسیری آنها؛ زیرا قلمرو ترجمه چیزی است و قلمرو تفسیر چیز دیگر و هرگز نباید از ترجمه، انتظار تفسیر و توضیح را داشت» (پایگاه عرفان).

در واقع گاهی مترجم «سعی دارد آهنگ، معنی، وزن و «مواد» متنی موجود در زبان را حفظ کند، و به رغم محدودیت‌های ذاتی زبان مقصد، آن حالت‌های خاص یعنی آهنگ، معنی و تداعی‌ها را باز آفرینی کند» (گنتزلر، ۱۳۱).

ترجمه خوب ترجمه‌ای است که علاوه بر رعایت دقیق معنا و نکات ادبی، از نظر آهنگ و احساس هم به گونه‌ای باشد که مخاطب احساس کند متن به زبان اصلی است و خداوند به طور مستقیم با او سخن می‌گوید. برای کشف مراد خداوند باید به فهم ریشه لغوی، معنی حقیقی واژه‌ها و موارد استعمال آنها در صدر اسلام توجه نمود و استمداد از فرهنگ‌های لغت قرآنی هر چه نزدیک‌تر به عصر قرآن ضروری است؛ چه آن که دامنه این علوم در دوره‌های بعد «روز به روز - به تناسب گسترش علوم و معارف - گسترش یافته، دانش‌ها و اندوخته‌های علمی خویش را نیز با خود به همراه می‌آوردند» (معرفت، ۱/ ۳۹۴). نیز این دانش‌ها برداشت از آیه را تحت تأثیر قرار داده است هرچند از لحاظ اصیل و خالص بودن، هرگز به پای آموزه‌های اولیه نمی‌رسد.

نکته قابل توجه این است که علی‌رغم ادبی بودن موضوع این اثر، تجلی قرآنی در این بیت را بر دو جناس ادبی موجود در آن ترجیح داده و هیچ اشاره‌ای به این دو صنعت ادبی نداشته است و به همین دلیل است که ادعا می‌کنیم ایشان ادبیات را به شرط در خدمت قرآن بودن، ارزشمند می‌دانستند.

جناس‌های این بیت (پرویز کنون گم شد از گمشده کمتر گو زرین تره کو برخوان رو «کم ترکوا» برخوان) عبارتند از: کو برخوان در مصرع دوم (زرین تره کو برخوان: تره زرین که بر سفره بود کجاست؟) و کو برخوان در همین مصرع (رو «کم ترکوا» برخوان: برو آیه قرآن «کم ترکوا» را بخوان) و نیز کمتر در مصرع اول (از گمشده کمتر گو) و کم تر در آیه قرآنی «کم ترکوا» در مصرع دوم؛ و انوار تلالو انوار قرآنی را بیشتر از انوار ادبی دیده است.

۴ - ۲. آثار عرفانی

انوار، پژوهشگری است که با داشتن ویژگی‌های منحصر بفردی چون نگاه منتقدانه، علاقه و استعداد تحقیقات موفقی را در عرفان و ادب پارسی انجام داده است.

شور و وجد عارفانه و شاعرانه انوار وی را بر آن داشت که شرحی ادبی و عرفانی به فارسی، عربی و انگلیسی بر خلاصه مثنوی و معنوی بنگارد که اکنون مجالی برای پرداختن به آن نیست.

مسلم درخشش آیات قرآنی در این دسته آثار عرفانی انوار بیشتر به چشم می خورد ضمن اینکه از شراب معرفت و عشق الهی سیراب و لبریز است.

۴-۲-۱. بستنی و قرآن و عرفان و مضامین شعر و ادب فارسی در دیوان

این فقط احساس شاعرانه انوار نبوده که سبب شده است در تدوین و تصحیح دیوان شاعران بکوشد، بلکه این کار را گذرگاهی برای تجلی معارف قرآنی می بیند از این رو آثاری چون تصحیح و نقد و بررسی و تعریب دیوان ابوالفتح بستنی شاعر ذوالسنانین ایران و دوره غزنوی و شرح منظوم و منثور آن، منتخب اشعار حکیم ابوالمعارف زاهد و مقدمه ای تحلیلی بر آن، مقدمه ای تحلیلی بر کاروان عشق اثر طغرا یغمایی و مقدمه ای تحلیلی و عرفانی برگزیده دیوان استاد محیی الدین الهی قمشه ای را به چاپ رسانیده است.

خلاصه یکی از این آثار مقاله ای تحت عنوان « بستنی و قرآن و عرفان و مضامین شعر و ادب فارسی در دیوان » است که در مجله پژوهش دینی، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. این اثر بر گرفته از طرح پژوهشی ایشان در همین موضوع (بستنی و قرآن و عرفان و مضامین شعر و ادب فارسی در دیوان) است.

از آن رو که ابوالفتح بستنی شاعر ذوالسنانین ایران و دوره غزنوی قلمداد می شود و کلامش با کلام قرآن عجین می شود، رغبتی در انوار برای تصحیح و نقد و بررسی و تعریب دیوانش می افکند و او شرح منظوم و منثوری بر آن ارائه می دهد؛ علاقه وافر ایشان نسبت به بستنی شاعر - که بر همگان واضح است - در این اثر بسیار ابراز شده است، و چکیده اثرش را به این بیان اختصاص می دهد که «این اثر شرحی منثور و منظوم و ادبی و قرآنی و حکمی و عرفانی بر دو بیت بلند مقدار آن بزرگوار است» (بستنی و قرآن و عرفان و مضامین شعر و ادب فارسی در دیوان، مجله پژوهش دینی، ش ۱۳، تابستان ۱۳۸۵، ۸) و از همان مقدمه اثر تضمین و اقتباس آیات (بخصوص در سوره یوسف) را پیش می کشد که:

«ما در جای جای اشعارش می نگریم که به اقتباس از معنی یا تضمین آیات گهربار پرداخته است. مثلا در قافیه بایه به داستان حضرت یوسف اشارت می برد و می سراید:

یا یوسف الحسن لیلی بعد فرقتکم یحکی سنی یوسف طولا وتعذیبا (بستنی. قافیه بایه)

مقصود بستنی از یحکی سنی یوسف طولا وتعذیبا آیه ۴۲ از سوره مبارکه یوسف است که می فرماید: «وَقَالَ

لِلَّذِي ظَنُّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاءَ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ» (یوسف، ۴۲)^۱

^۱ و به آن یکی از آن دو نفر، که می دانست رهایی می یابد، گفت: «مرا نزد صاحب [سلطان مصر] یادآوری کن!» ولی شیطان یادآوری او را نزد صاحبش از خاطر وی برد؛ و بدنبال آن، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند.

که حکایت از زندانی شدن و سختی و دشواری و دوری یوسف از یار و دیار دارد» (همان، ص ۸).

نیز در «...فاشط في الحكم لما أن تولاه...» به قسمتی از آیه ۴۰ و ۳۷ سوره مبارکه یوسف اشارت می برد که می فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف/۴۰) ^۱ و نیز «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (یوسف، ۶۷) ^۲ (ص ۹)

و در «أنا خاف كليلة القدر في الناس و عال كليلة القدر قدرا (بستی. قافیه رائیه) به آیه ۳ سوره قدر اشاره دارد که می فرماید: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (القدر، ۲ و ۳) ^۳ (ص ۹)

در وصف قلم سخن از «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (القلم، ۱) ^۴ رفته است» (ص ۱۰)

و در شرح و ترجمه منظوم شعر بستی در مورد قلم «...مدى الدهر أن الله أقسم بالقلم» (بستی قافیه میمیه، ۴/ ۲۷۹) گوید:

«که سوگند خورده بدان حق سبحان	به وحی دل انگیز در قلب قران» (ص ۱۱)
-------------------------------	-------------------------------------

آن چنان عشق به آیات نورانی در دلش موجمی زند که نمی تواند سخن را بدون امتزاج با آن به کار برد؛ در ذکر ویژگی های شعر بستی فقط در نه سطر از همین اثرش به جای سخن عادی و فارسی با سه آیه شریفه مفهوم را بیان می کند: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲) ^۵

موجود می شود... «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (القلم/۱)،... قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَادًا» (الکھف، ۱۰۹) ^۶ (صص ۲۴ و ۲۵)

^۱ حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!

^۲ حکم و فرمان، تنها از آن خداست! بر او توکل کرده ام؛ و همه متوکلان باید بر او توکل کنند!

^۳ و توجه می دانی شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است!

^۴ ن، سوگند به قلم و آنچه مینویسند،

^۵ فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ

^۶ بگو: «اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم!»

و نهایتاً در بیان نتایج اثرش مجدداً متذکر می شود «بستی در جای جای اشعارش به تلمیح و اشاره و یا تضمین و تبیین به درگاه آیات قرآنی ... دست ارادت گشوده» (ص ۲۶) که نشان گر سبب حقیقی علاقه وافر به این شاعر است که همانا تجلی انوار الهی در اشعار وی است.

۴ - ۲ - ۲. نزول و صعود رحمانی در شعر حجت حق ابن سینا حکیم مشایی و شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی حکیم اشراقی^۱

در این مقاله که در آن با بهرمندی از عرفان اسلامی و تسلط بر دو زبان عربی و فارسی، از اشعار دلربای عرفای فارس و عرب از حکیم الهی قمشه ای گرفته تا ایلیا ابو ماضی در مورد حقیقت روح آدمی سخن به میان آورده، واژه روح را بررسی می کند (ص ۱۱): "در قرآن کریم کلمه روح ۲۱ بار به کار رفته است که چهار بار آن با قدس همراه است و به صورت روح القدس در آیه ۸۷ و ۲۵۳ سوره مبارکه بقره و ۱۱۰ مائده و ۱۰۲ نحل آمده و در سوره مبارکه شعراء آیه ۱۹۳ با الامین به صورت روح الامین همراه است... در سوره مبارکه نحل آیه ۲ می فرماید: «يَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» (النحل، ۲)

ترجمه ای که ایشان از این آیه ارائه نموده اند این است: فرشتگان را با روح (فرشته بزرگواری که همراه وحی است) به خواست و فرمان خویش بر هر کس از بندگانش بخواهد فرو می فرستد؛ که مردم را بیم دهید؛ که خدایی جز من نیست؛ پس از من پروا داشته باشید» سپس به بررسی آیه ۳۸ سوره مبارکه نبا «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا» (النبا/۳۸)

روزی که «روح» و «ملائکه» در یک صف می ایستند و هیچ یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی گویند، و (آنگاه که می گویند) درست می گویند!) و آیه ۸۵ سوره مبارکه اسراء «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (الإسراء/۸۵)

و از تو درباره «روح» سؤال می کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!» پرداخته اند؛ و در مجموع به نحوی مفصل و شایسته به بررسی روح در قرآن نشسته اند و از منظومه ای بلند و زیبا و خواندنی که خود در این باب دارند سخن می رانند: "و نگارنده مقاله را درباره روح و سوره هایی که در آن ها به کار رفته منظومه ای است (ص ۱۲ و ۱۳). و به کاربرد این واژه در اشعار خود توجه نموده و این منظومه را به طور کامل در همین مقاله شان آورده اند.

^۱ چاپ شده در مجله پژوهش دینی

سپس با آوردن منظومه ابن سینا به اشعار او در هبوط الی الارض استناد کرده اند (صص ۱۷ و ۱۸) که در ادامه منظومه خود که ترجمه این آن است را شاهد گرفته اند (صص ۱۸ و ۱۹) تا بتوانند به شرح واژه هبوط و اشعار ابن سینا پردازند (صص ۲۱ و ۲۲) همچنان که شرح منظوم خود بر اشعار شیخ اشراق را نیز ضمیمه می کنند (صص ۲۶ و ۲۷).

ایشان به زیبایی اشعار دو فیلسوف حکیم را مقایسه می کنند، و نهایتاً به این نتیجه می رسد که هر دو از قرآن بهره برده اند و این تجلی روح رحمانی است که در جسم انسانی دمیده شده است: «شیخ الرئیس ابو علی بن سینا و شیخ شهاب الدین سهروردی دو حکیم الهی هستند که حقایق عالم را در پرتو انوار روحی یزدانی و آیات درخشان قرآنی نگریسته و استدلالهایی کرده اند و هر دو به «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (الحجر، ۲۹) (در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم):

که انسان را فرستادیم بیرون جمال خویش بر صحرا نهادیم

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (الإسراء، ۸۵)

روح کز عالم امر است یقین می دانم	رخت خود باز بر آنم که همانجا فکنم
----------------------------------	-----------------------------------

به نیکویی فائند و در آثار خود برای اثبات «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا» (النبأ، ۳۸) به خوبی ایمان دارند و با مولوی رحمه الله علیه همدل و همسخنند که:

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم
(صص ۲۷ و ۲۸)

برخی پژوهشگران برآنند که در محدوده‌هایی از متن، امکان دستیابی به ترجمه از زبان مبدأ به یک زبان مقصد تا حد صفر تنزل می‌یابد و مترجم در فضای ترجمه ناپذیری متن قرار می‌گیرد (افراشی، ۷۱). ولی دیدیم که چگونه /نوار/ در ادامه یافته‌ها و نتایج خود در این پژوهش، قرآن کریم را با اشعار ناب ترجمه می‌کند و بسیار هنرمندانه تضمین واقتباس را درخشش می‌دهد؛ مشخص است که او در این‌جا مترجمی است که «با یک حرکت بر مضمون اصلی و معنی می‌جهد، نقش متن اصلی را به طور شمی تعیین میکند و هر آنچه از متن برگرداندنی است برمیگرداند، با همه طنین و تداعی‌هایش، با چیزی نو و کاملاً متفاوت، ... که همان تأثیر اصل را بر خواننده بگذارد» (گنتزله، ۱۳۱).

۲-۳-۴. شرح انوار بر انوار در پرتو تبیان مجمع بیان و کشف اسرار روح الجنان

نهایتاً چشمه جوشان عشق به معارف ناب قرآنی /نوار/ را بر آن می‌دارد که فارغ از حیطه درس عربی و ادبیات فارسی به آن میل نهفته خویش پردازد و صرفاً در عرفان و قرآن قلم فرسایی کند.

در «شرح انوار بر انوار در پرتو تبیان مجمع بیان وکشف اسرار روح الجنان» که مطلع آن را نیز با آیه شریفه «وَهُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ» (سبأ، ۲۶) و ... مزین نموده است بحث جامعی در معنای أحد و واحد ارائه نموده و بیان می کنند که «در حکمت عرفای مقام واحدیت بعد از احدیت است» (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، زمستان ۸۱، ص ۳۶). از میان تفاسیر به الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور و البرهان فی تفسیر القرآن اهتمام بیشتری داشته و در جای جای این اثر به آن دو استناد نموده و نیز برای بیان سبب نزول سوره توحید به این دو تفسیر (سیوطی، ۸، ۶۶۹-۶۸۹ و بحرانی ۱۴۱۶ ق) ارجاع داده اند و در این اثر به نحوی مبسوط در بیان اسرار اسماء الهی در این سوره گران سنگ پرداخته اند.

در «باده سالکان و شراب عارفان، معنای مجاز در عرفان» (مجله دانشکده ادبیات، گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی، صص ۲۹۵ - ۳۰۷)، ظاهراً به هر بهانه ای بینامتنیت با قرآن را پیش می کشد؛ مثلاً در این شعر چنین گوید:

«کیست صیاد و چه دامی است نهان کز همه سو ماکه سیمرغ وجودیم شکار آمده ایم»

و پروردگار توانا در این باره می فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران، ۵۹)^۱ (ص ۲۹۹)، و به نظر می رسد چندان تناسبی در تلمیح به این آیه به چشم نمی خورد. در بیت جامی «خوردیم می عشق ز خمخانه ذات بی کام و دهان ز جام اسماء و صفات» گوید: «و شاید این همان باده عهد الست باشد که در قرآن کریم فرموده: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (الأعراف، ۱۷۲) (ص ۳۰۲)، باز در این جا شاید اگر آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (البقرة، ۳۱)^۲ را ذکر می نمود بهتر وافی مقصود بود.

گرچه همه این آیات سه گانه (الأعراف، ۱۷۲ و البقرة، ۳۱ و الأحزاب، ۷۲) از نظر ایشان مبین یک مطلب است، ولی در شرح ابیات صحبت لاری «...زچه رو الست بریکم نرنی بزنی که بلی بلی ...» (ص ۳۰۴) چنین می گوید: «با این که نوشیدن باده همان قرار گرفتن و تعلم اسماء و صفات الهی از ذات حق باشد که «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (البقرة، ۳۱)^۳ و این همان استعداد معرفت الهی و قدرت کشف مجهولات است که پروردگار در سرّ سویدای انسان نهاده و فرموده: «إِنَّا

^۱ مثل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد. (بنابر این، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست.)

^۲ و (به خاطر بیابور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!»

^۳ سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گوئید، اسمای اینها را به من خبر دهید!»

عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (الأحزاب، ۷۲)^۱

۴ - ۳. آثار دینی

لغات و الفاظ قرآن عصاره و برگزیده کلام عرب و واسطه در ارائه مفاهیم آن می باشد. همچنین شعرا و نویسندگان ماهر و چیره دست، در نظم و نثرشان از آن یاری می جویند. آن جا هم که بحث از تفسیر قرآن و تشریح احادیث و ... است ادبای توانمند محتاطانه به قلم فرسایی می پردازند و باید پذیرفت که داوری درباره میزان تجلی این انوار در این آثار کار بس دشواری است.

آثار امیر محمود که صرفا بر محور دین می چرخد می توان به شرح منثور و منظوم ادبی و عرفانی به فارسی، عربی و انگلیسی بر جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن به نام تفسیر انوارین، شرح منثور و منظوم بر کلمات قصار حضرت علی به فارسی، عربی و انگلیسی، شرح منظوم بر خطبه حضرت زینب و حضرت سجاد و ... نام برد، که به جهت گستردگی و اوج مضامین در این جستار مجال ما را به بررسی آنها وانی نهد و ان شاء الله در پژوهشی مستقل بدان خواهیم پرداخت.

۴ - ۴. اشعار:

انوار فردی بسیار متعهد و متدین بود، ذوق شاعری خود را در خدمت حماسه دفاع مقدس به کار گرفت تا آن جا که اکثر اشعارش در ستایش مجاهدان و ترغیب مبارزان در امر جهاد است.

۴ - ۴ - ۱. جهاد اصغر و اکبر در آیات قرآنی و احادیث نبوی و مرتضوی و اشعار تازی و پارسی (صص ۲۸۸ - ۳۰۳)

این اثر سراسر مزین به آیات کریمه است، مطلع آن این گونه است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرِزُقُونَ* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۶۹-۱۷۱)^۲

^۱ ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)!

^۲ (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارش روزی داده می شوند. آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [= مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند؛ و می دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت. و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند؛ و (می بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند؛ (نه پاداش شهیدان، و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند).»

بر رنگ گل به خون شقایق نوشته اند آن کس که پخته شد می چون ارغوان گرفت

«وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (الإنسان، ۲۱)^۱ «و إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ» (الصف، ۴)^۲ « که همه آیات نور می باشد.

آیات استفاده شده در این اثر به نسبت بیش از آثار دیگر است و شاید ۶۰ تا ۷۰ درصد عبارات این اثر انوار قرآن است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲)^۳ «... إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (التوبة، ۱۱۱)^۴

۴- ۴ - ۲. خوزستان

این اثر منظوم نیز که جلوه ای دیگر از امتزاج این روح بزرگ با مضامین قرآنی است؛ با آیه «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر، ۱۶)^۵ آغاز شده و در همان مطلع «و إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ» (الصف، ۴) شکر و سپاس بر رزمندگان دلیر میهن اسلامی را آورده است.

و بلافاصله آن را به تضمین آیات قرآنی می آراید که:

«ما أهلك الإنسان غير غروره يطغى إذا استغنى عن الرحمان»^۶

که اشاره به آیه «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِفٌ» (العلق، ۶ و ۷)^۷ است.

۵- نتایج

^۱ و پروردگارشان شراب طهور به آنان می نوشاند

^۲ خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گوئی بنایی آهنین اند

^۳ آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند!

^۴ خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که): در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ!

^۵ حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است!

^۶ انسان را فقط غرورش نابود گرداند، چون ببیند بی نیاز شده طغیان می کند.

^۷ چنین نیست (که شما می پندارید) به یقین انسان طغیان می کند، از اینکه خود را بی نیاز ببیند!

امیر محمود انوار پژوهشگر فرهیخته حوزه و دانشگاه گام هایی بلند و استوار در جهت بررسی منابع مهم ادبی و عرفانی این سرزمین برداشته، و با چاپ بیش از پنجاه مقاله علمی در زمینه ادب و عرفان در نشریات معتبر سمینارها و کنفرانس های داخلی و خارجی در راه خدمت به میهن و اعتلاء نام آن بسیار کوشید. تسلط او بر سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی هر اثر را به جلوه ای زیبا در لباس ترجمه می آراید و باعث خلق آثاری بدیع و کم نظیر گردیده است. آثار او در چهار محور عرفانی، دینی، ادبی، اشعار وجود دارد.

چشمه جوشان عشق به معارف ناب آسمانی همیشه در وی جاری بوده و تمامی آثار وی رنگ خدایی دارد و آثار او بستری برای تجلی آیات قرآنی است، از آن رو اصولاً مطلع آثارش با شذرات آیات شریفه ای چون «وَهُوَ الْفَاحِشُ الْعَلِيمُ» (سبأ، ۲۶)^۱ و ... مزین است، در جای جای آثارش به بیان اقتباس از معنی یا تضمین آیات گهربار پرداخته است.

علاقه وافر او به بستی بخاطر تجلی انوار الهی در اشعار وی است از آن رو است که وی در جای جای اشعارش به تلمیح و اشاره و یا تضمین و تبیین به درگاه آیات قرآنی ... دست ارادت گشوده است؛ ظاهراً به هر بهانه ای بینامتنیت با قرآن را پیش می کشد؛ در برخی موارد به نظر می رسد چندان تناسبی در تلمیح به آیه ذکر شده به چشم نمی خورد. گاهی نیز به نظر می رسد که اگر تضمین به آیه دیگری را ذکر می نمود بهتر وافی مقصود بود، گرچه وقتی نیک بنگریم متوجه خواهیم شد که همه این آیات از نظر ایشان مبین یک مطلب است.

در بیان این تضمین و تلمیح ها گاه به ترجمه آیات براساس سلیقه شرح و تفسیری خود می پردازد تا از ابهام ترجمه بکاهد. ترجمه ایشان با اختلاط مضامین قرآنی با گوشت و خون ایشان و ترجمه ای ممتزج با تفسیر و همراه با توضیح صورت پذیرفته است. تضمین و تلمیح آیات قرآن را با عنایت خاصی با ذکر شماره آیه و سوره ذکر کرده و حتی در آثار ادبی صرف نیز، تجلی قرآنی را بر جناس و صنایع ادبی موجود در آن ترجیح داده و ادبیات را به شرط در خدمت قرآن بودن، ارزشمند دانسته است.

او در آثار تطبیقی اش چون یک مترجم حد واسط دو زبان عمل می کند؛ که می کوشد هیچ بخشی از صورت و معنی از بین نرود و در انتقال از زبانی به زبان دیگر مطلوب ترین معادل عناصر متنی را می یابد. دقت و درایت و علاقه و تیزبینی ویژه در مقایسه و تطبیق برخی آثار در دو ادب عربی و فارسی، علاوه بر تجربه و تسلط بر هر دو زبان و به ویژه قرآن، مطالعه آثار هر دو زبان، بررسی علمی و دقیق آنها و خواندن آثار پژوهشگران دیگر، همگی در این نوع آثار انوار جمع است.

^۱ و اوست داور (و جداکننده) آگاه!

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- افراشی، آریتا. نگاهی به نظریه فرا زبان معنایی طبیعی و مسأله ترجمه پذیری، فصلنامه مطالعات ترجمه: ش ۱۵، ۱۳۸۵ ش.
- ۳- انوار، سید امیر محمود. دیوان خطی، در دست چاپ.
- ۴- همو. سیر شعر و ادب از دوران قبل از اسلام عرب تا پایان دوره عباسی و مقایسه افکار سعدی و متنبی و داوری میان دو شاعر نامی پارسی و تازی، تهران، انوار دانش، ۱۳۸۰ ش.
- ۵- همو. بستی و قرآن و عرفان و مضامین شعر و ادب فارسی در دیوان، مجله پژوهش دینی، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۵ ش.
- ۶- باطنی، محمدرضا. توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی در یک نظریه عمومی زبان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴ ش.
- ۷- بحرانی سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۶ ق.
- ۸- برکات، حمدی أبوعلی محمد. دراسات فی الأدب، عمان - الأردن، دار وائل، ۱۹۹۲/۲۰۰۰ م.
- ۹- بستی، ابوالفتح. دیوان بستی. به تصحیح دکتر سید امیر محمود انوار، چاپ در دانشگاه تهران.
- ۱۰- حجازی، محمود. زبان شناسی عربی، درآمدی تاریخی تطبیقی در پرتو فرهنگ و زبان‌های سامی، ترجمه: سیدحسین سیدی. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۱- حدادی، میانی ترجمه، تهران، جمال حق، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۲- حسینی، صالح. نظری به ترجمه مقاله لزوم انس با زبان و ادب پارسی در ترجمه، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۳- زکریا، میشل. زبان شناسی زایشی گشتاری، دستور زبان عربی (جمله ساده)، ترجمه: شهریار نیازی و مهین حاجیزاده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۴- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، مطبعة الأنوار المحمدية.
- ۱۵- صفوی، کورش. هفت گفتار درباره ترجمه، کتب ماد وابسته به نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۶- صلح‌جو، علی. مقاله «درباره ترجمه» از برگزیده‌های مقاله‌های نشر دانش ۳، نصرالله پورجوادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز دانشگاهی، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۷- طباطبائی، محمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، چاپ فرهنگ، بی تا.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن. تفسیر مجمع البیان، تصحیح و تعلیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه‌العلمية الإسلامية، بی تا.
- ۱۹- طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، مصر، دار السلام، ۲۰۰۵ م.

- ۲۰- عبدالغنی، حسن محمد. *فن الترجمة*، ترجمه: عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ش.
- ۲۱- عمر، احمد مختار. *معنا شناسی*، ترجمه: سیدحسن سیدی، چاپ دوم، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶ش.
- ۲۲- گنتزler، ادوین. *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*، ترجمه: علی صلح‌جو، تهران، هرمس، ۱۳۸۰ش.
- ۲۳- لطفی‌پور ساعدی، کاظم و رضایی، عباسعلی. *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه*، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۳ش.
- ۲۴- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱ش.
- ۲۵- معرفت، محمدهادی، خیاط و نصیری. *تفسیر و مفسران (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری)*، قم، التمهید، ۱۳۷۹ش.
- ۲۶- نبراق، محمد صالح. *المستشرقون و ترجمة القرآن الکریم*، بیروت، دار الآفاق الجديدة، ۱۴۰۳ق.